



فلسفه

درد شیرین

ویژه شهادت امام باقر علیه السلام

۳۳



سیره‌ی خاندان اهل بیعت (علیهم السلام) / ۱۸

مجتمع فرهنگی پژوهشی سازمان اوقاف و امور خیریه، سنگ بنای متفاوتی را گذاشته است و با نگاهی عمیق‌تر به مقوله‌ی سبک‌زندگی اسلامی، فانوسی را برای شما روشن کرده است.

خواندن این کتابچه تنها ۱۴ دقیقه از شما زمان می‌گیرد

■ خون حتی اگر قطره‌ای هم باشد ولی به خاطر خدا و در راهش بر زمین ریخته باشد می‌شود بی نظیر ترین قطره ها و اشک اگر فقط برای محبوب و یار واقعی باشد آن هم در دل تاریکی و سیاهی شب می‌شود عزیزترین و پر بها ترین در نزد پروردگار. ...

[از متن کتابچه]



سازمان اوقاف و امور خیریه
مدیریت فرهنگی و اجتماعی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

اهدایی

فانوس ۳۳

درد شیرین | ویژه شهادت امام باقر (ع)

تهیه و تنظیم و ناشر: مرکز فرهنگی پژوهشی

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

نویسنده: فاطمه محمدی

تصویرگر: معصومه ردایی

صفحه آرا: فاطمه سعیدی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

قطع: جیبی

نوبت انتشار: تابستان ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۰۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سیدعلی، مجتمع فرهنگی آموزشی

تلفن: ۰۲۵۳۸۱۸۷۱۶۹ فکس: ۰۲۵۳۸۱۸۷۱۵۶

غیرقابل فروش



درد شیرین | ویژه شهادت امام باقر علیه السلام

درباره‌ی فانوس

مجتمع فرهنگی پژوهشی سازمان اوقاف و امور خیریه، سنگ بنای متفاوتی را گذاشته است و با نگاهی عمیق‌تر به مقوله‌ی «سبک‌زندگی اسلامی» فانوسی را روشن کرده است.

کتاب‌چه‌های «فانوس» هرچند اندازه‌ی کوچکی دارند و صفحاتشان کم است، اما سرچشمه‌ی نورشان منبع لایزالی است که همه‌ی جهان را در تمامی زمان‌ها در برمی‌گیرد.

«سبک‌زندگی اسلامی» محور موضوعات فانوس است که از چهار جهت پنجره‌ای رو به آن گشوده شده: «سیره‌ی خاندان اهل‌بیت علیهم‌السلام» [کتاب‌چه‌های لاجوردی]، «زندگی دینی» [کتاب‌چه‌های آبی]، «مناسبت‌های مذهبی» [کتاب‌چه‌های زرد] و «رویدادهای سیاسی و اجتماعی» [کتاب‌چه‌های بنفش].

و در تلاشی شبانه‌روزی با افتخار تولید فانوس را عهده‌دار شده ایم تا در این شب‌های تاریک، خدمتی باشد و چراغ راهی به سوی «خوب‌زندگی کردن».

ما فانوس را برای شما روشن کرده‌ایم.
خواندن این کتاب‌چه تنها ۱۴ دقیقه طول می‌کشد.



یک

درد شیرین



■
مثل زخم در بدن می ماند وقتی که با جسمی تیز بریده می شود. شاید توجه نکردن و عدم رسیدگی به زخم ها در ابتدای بیماری رفتاری طبیعی باشد اما اگر روی زخم ذره ای گرد و غبار بنشیند آن وقت درد سر شروع می شود.

بعد از مدتی عفونت می کند و چرک و خون از آن بیرون می زند. آن وقت دیگر نمی توان دست روی دست گذاشت و باید به پزشک مراجعه کرد. شاید زمان مراجعه به پزشک مورد سرزنش قرار بگیریم که چرا زودتر به فکر معالجه نیفتادیم و توییح شویم. مسلما پزشک توصیه هایی برای بهتر شدن زخم می کند و تعدادی دارو را تجویز می کند. از این جا به بعد کار، دیگر به عهده خود بیمار است. باید مراقبت و رسیدگی به زخمش را جدی بگیرد. حال شرایطی را تصور کنید که تجویز پزشک شامل دستوراتی است که انجام دادن آن برای بیمار سخت و دردناک باشد. ولی عمل به آن دستورالعمل ها برای بهبود زخم ضروری است. مثلا باید پمادی را روی زخم بمالد که سوزش و درد زیادی به همراه دارد یا باید با

مواد ضد عفونی کننده جای زخم را پاکیزه نگه دارد که آن هم سوزش زیادی دارد در چنین شرایطی هر انسان عاقلی حاضر است این سختی‌ها و دردها را تحمل کند اما بهبود یابد. می‌داند پذیرش این دستورات و تجویزهای تلخ، خیر خواهانه است و ضرر نخواهد کرد. اما هستند افرادی هم که در عین بیمار بودن و اطلاع از این که چه کارهایی شدت بیماریشان را بیشتر می‌کند و چه غذا و خوراکی برایشان مثل سم است توجهی به تغذیه‌شان نمی‌کنند و گوش به فرمان نَفْسشان هستند. با دیدن شیرینی خامه‌ای و کیک دهانشان آب می‌افتد و با دیدن ذره ای قند نمی‌توانند جلوی خودشان را بگیرند. طعم شیرین این کیک‌ها مثل زهر است برای جسم و جانشان و دشمن بلا شک سلامتیشان است اما صدای وسوسه گر درونشان راحتشان نمی‌گذارد. واضح است که نباید به این ندهای لذت بخش گوش دهند و تلخی چای تلخ را به جان بخرند تا سلامت بمانند.

این مثال‌ها تنها گوشه‌ای از هزاران اتفاقی است که ما را بر سر دو راهی‌های انتخاب می‌گذارند که ناچار می‌شویم برای انتخاب کردن، یا باید به وسوسه‌های دل‌گوش دهیم





و شیرینی زود گذر را انتخاب کنیم و از عاقبت کار غافل شویم و یا باید به ندای عقل عمل کنیم و با آگاهی کامل از عاقبت و سود انتخابمان تلخی را به جان بخریم این انتخاب ها شامل پذیرش یا عدم پذیرش سخنان تلخ و شیرین اطرافیان نیز می شود که زمینه ساز همان ندای عقل و دل خواهند شد.



.....
 امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: [از] آن کسی که حرفهائی به تو میزند که آنقدر تلخ است که تو را به گریه می‌آورد، اما خیرخواه توست؛ حرف او را قبول کن. ولی گوش نکن، پیروی نکن از حرف آن کسی که حرفهای شیرینی میزند که خوست می‌آید و لبهای تو را به تبسم باز میکند، اما فریبگر است خیرخواهی ندارد، [ولی] حرفی میزند که تو خوست بیاید؛ از این شخص پرهیز کن. وقتی پیش خدای متعال رفتید، نگاه حقایق دلهای یکدیگر را آنجا خواهید فهمید.^۱

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۸۳.

دو

سفید و سیاه



کاغذ را که از بسته‌اش در می‌آوری کاملاً نو و تمیز است. سفید سفید، طوری که دلت نمی‌آید روی آن چیزی ثبت کنی. بوی کاغذ نو لذت بخش است و دل‌نشین، اما همین کاغذ سفید می‌تواند اندک اندک آن قدر سیاه و کثیف شود که گذشته پاکش دیگر قابل باور نباشد.

شاید ابتدا لکه و نقطه سیاه و کوچکی روی آن قرار گیرد که اگر سریع به دادش برسیم می‌توان آن را از بین برد اما اگر رهایش کنیم و اهمیت ندهیم کم کم این لکه‌ها زیاد خواهند شد و در کنار هم آن قدر تجمع می‌کنند که دیگر با دیدن کاغذ هیچ حس لذت و پاکی احساس نخواهد شد. تمیزماندن کاغذ رابطه بسیار تنگاتنگی دارد با مراقبت کردن و سلیقه به خرج دادن صاحبش. اگر او به خوبی از کاغذ مراقبت کند و در اولین فرصت لکه‌ها و کثیفی‌ها را پاک کند و حواسش را شش‌دانگ جمع صفحه سفید کند دیگر کاغذ به زباله و سیاهی کامل تبدیل نخواهد شد.



خداوند ما را آفرید و امانتی را در وجودمان به ودیعه نهاد همچون کاغذ سفید و نورانی اسمش را دل گذاشت و هشدار داد که مانند کاغذِ نو، سفید و پاک است. اما باید حواسمان را جمع کنیم و مثل یک صاحب هوشیار و گوش به زنگ بالای سر دل بنشینیم و مراقب باشیم و به محض اینکه لکه و نقطه سیاهی رویش قرار گرفت آن را پاک کنیم و نورانیت را مهمان دل کنیم. از ما خواست سفید و پاک مثل روز اول به او تحویلش دهیم و همنشین و همسایه سیاهی قرارش ندهیم غفلت نکنیم از امانتش و قدردانش باشیم. گناهان بخش اعظمی از این سیاهی ها را تشکیل می دهند و تنها پاک کنی که آن ها را از بین می برد توبه و عمل صالح است. باید جبران کرد تا مورد اطمینان واقع شد نمی شود مدام تقاط سیاه را زیاد کرد و پاک کردنش را به آینده واگذار کرد زیرا معلوم نیست آینده ای در کار باشد و فرصت کرد پاک کن به دست گرفت و اشتباهات را محو کرد. از انسان ها خواسته شد تا قدر فرصت جوانی را بدانند و تا انرژی و انگیزه در بدن دارند این جبران کردن ها و پاک کردن ها را تمرین کنند زیرا به مرور زمان و در اثر گذر عمر کم کم انگیزه کاهش میابد و



آرام آرام توان و انرژی گرفته می‌شود علت هم چیزی جز گرفتاریها در طول زندگی نیست کم کم گناهان زیاد می‌شود مشکلات مختلف اقتصادی اجتماعی مالی و ... در زندگی، قلب و روح را به خود مشغول می‌کنند و زمانی انسان به خود می‌آید که دیگر دیر شده و قلب زنگار گرفته ای نصیبش می‌شود که دیگر زدودن آلودگی هایش به آسانی اوایل جوانی و زندگانی نخواهد بود.



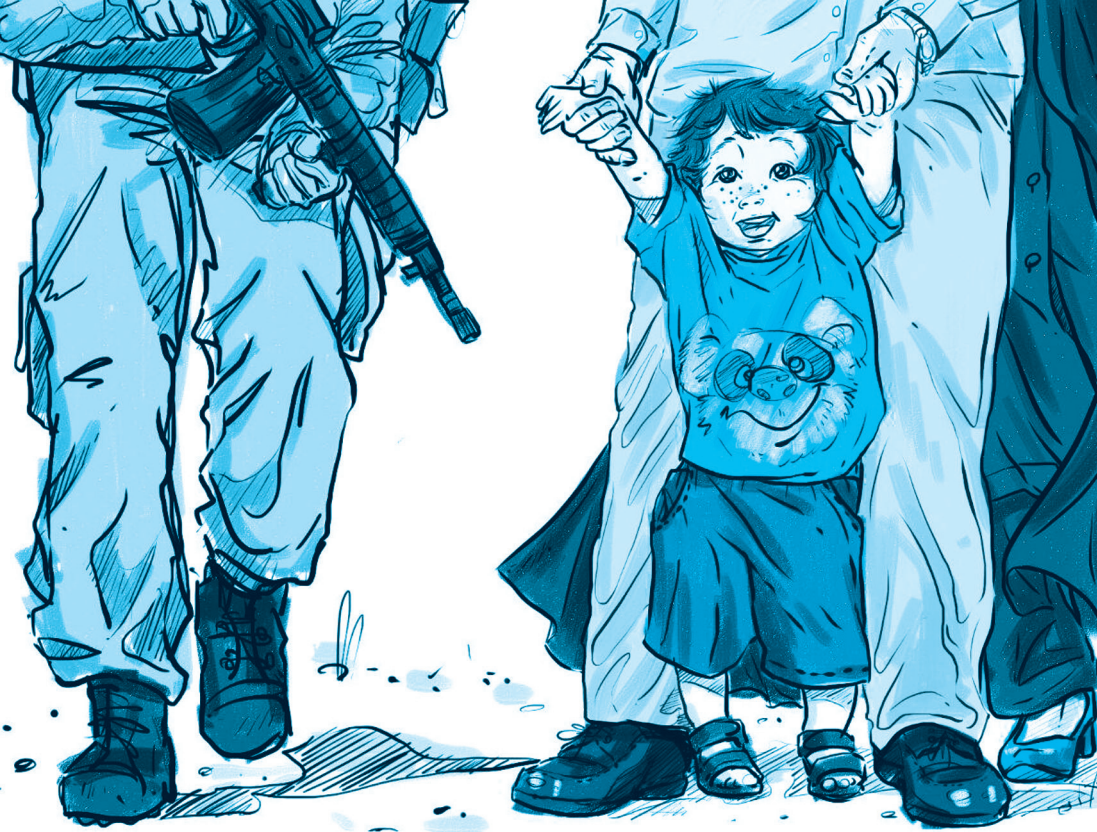
.....

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: هر بنده‌ئی در دلش نقطه سفیدیست که چون گناهی کند، خال سیاهی در آن پیدا شود، سپس اگر توبه کند آن سیاهی برود، و اگر از گناه دنبال‌گیری کند، آن سیاهی بیفزاید تا روی سفیدی را بپوشاند، و چون سفیدی پوشیده شد، دیگر صاحب آن دل هرگز بخیر نگراید.^۱

۱. اصول کافی، ج ۲ ص ۲۷۳

سه

دو قدم تا يار





میهمانی بزرگی است که فقط سالی یک بار برگزار می‌شود و همه را دورهم جمع می‌کند. افراد مهم و سرشناسی به آن دعوت می‌شوند و از مدتها قبل همه در تکاپو هستند تا مقدمات حضورشان را در آن فراهم کنند.

بهترین لباسها و زیورآلات را انتخاب می‌کنند اما در این میان فقط ظاهر نیست که پر اهمیت است. بیشتر از این که لباس و سرو وضع ظاهری مهم باشد رفتار و نوع برخورد و حرکات اشخاص است که به چشم می‌آید. حال فرض کنید فردی در این میهمانی حضور دارد که نظر و نگاهش برایتان پر اهمیت است دلتان می‌خواهد جلوی او بهترین باشید برای همین همه تلاشتان را خواهید کرد ذره ای اشتباه نکنید و بهترین ها را انتخاب کنید. بهترین ها از لباس و آرایش گرفته تا آداب معاشرت و برخورد با دیگران. قدمهایتان را استوار و بدون نقص برمی‌دارید تا وقار در رفتارتان مشهود باشد و سنگینی قدم هایتان حس شود.



کدام مهمانی در عالم وجود دارد به بزرگی و با شکوهی مهمانی زندگی و به پر جمعیتی وجود همه موجودات و مخلوقات و کدام محبوب و شخص مهمی را می‌توان یافت که بتواند با آفریدگار هستی مقابله کند. اینجاست که رفتار و آداب را به جا آوردن معنای واقعی می‌یابد در این مهمانی است که خود پروردگار ملاک است و ارزش گذاری می‌کند اوست که میگوید چگونه قدم برداشتن را می‌پسندد و برایش ارزش بیشتری دارد. او گام‌هایی را می‌پسندد که دو ویژگی داشته باشند:

- در گوشه‌ای از دنیا جهادی در حال وقوع است و نیاز به حرکت و حضور قدم‌هایی دارد تا آن را تقویت کند و استوارش سازند، اینجاست که عشوهِ گری قدم‌ها معنا پیدا می‌کند اگر فردی با گام‌هایش در آن محل حضور یابد و کمک‌ها و یاری‌دهنده‌ها آن مجاهدان باشد و با حضورش جبهه‌حق را تقویت کند گام‌هایش بهترین گام‌ها به حساب می‌آید و نظر محبوب را به خود جلب می‌کند.
- این که برای چه این اتفاق افتاد و چه کسی مقصر ماجرا است مهم نیست. مهم این



است که به دلیلی رابطه قطع شده و دیگر از حال یکدیگر با خبر نیستند و چشم دیدن یکدیگر را ندارند. اهمیتی ندارد که عکس العمل ها در آینده چه خواهد بود. بلکه مسئله این ریسمان پاره شده است که هنوز پیوندش برقرار نشده. این گسستن ها عجیب موجب ناراحتی پروردگار می شود. اما پیوند دادن دوباره اش راه دارد. باید کسی پیش قدم شود و این پیوند را دوباره برقرار کند که اگر آن فرد یکی از طرفین ماجرا باشد مشکل سریع تر و راحت تر حل می شود. کسی که پا روی نفسش گذاشت و پیش قدم شد گام هایش آن قدر مورد رضایت و پذیرش خدایش می شود که گام هایش می شود جزو بهترین ها در نظر پروردگار.



.....

امام باقر علیه السلام فرمود: دو گام است که از آن محبوب تر نزد خدا نیست: یک. گامی به سوی جبهه‌ها برای تحکیم صف مجاهدان راه خدا. دو. گامی به سوی خویشاوندی که پیوند خویش گسسته است.^۱

۱. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، ص ۲۷.

چهار

دو جرعه گوارا



بسیار قدرتمند است و توان دارد انسان را به هر کاری وادار کند. رابطه اش با میزان عقل و هوشیاری انسان معکوس است. هر چه به اوج خود نزدیکتر می‌شود میزان عقل را کاهش می‌دهد و قدرت تفکر کردن را می‌گیرد و گاهی عقل آنچنان کم و ناموجود می‌شود که باعث می‌شود فرد دست به کارهایی بزند که در بعضی موارد دیگر قابل جبران نیست و نه تنها خود را دچار مصیبت می‌کند بلکه مصیبتی را نیز برای گروهی دیگر به بار می‌آورد بسیار به گوشمان رسیده سخن افرادی که فرمان برداری از او و یا عملی کردن تصمیمی که تحت تاثیر آن گرفته‌اند به شدت پشیمانشان کرده و توصیه می‌کنند مانند خودشان گرفتار نشویم و کنترلش کنیم. شدت و درجاتش هم متفاوت است به نحوی که هر انسانی در طول زندگی‌اش آن را تجربه می‌کند و مزه اش را حداقل چند باری می‌چشد اما اگر یاد نگیرد که چگونه کنترلش کند و مدیریتش را به عهده بگیرد اوضاع برعکس خواهد شد و او کنترل انسان را عهده دار می‌شود. به این دلیل و هزاران دلیل دیگر است که خالقش



از ما انسان‌ها می‌خواهد آن را فرو بریم و اعتناش نکنیم. این تنها راهی است که می‌توان خشم را تحت کنترل خود درآورد و از خرابی‌هایی که به ارمغان می‌آورد در امان ماند.

ضربات چکش را بر سر آهن گذاخته تصور کن گاه آرام و ملایم فرود می‌آیند و گاه آنچنان محکم خود را مهمان فلز می‌کنند که ناچار آهن تغییر شکل می‌دهد و فرم و حالتش عوض می‌شود اما فلز دم بر نمی‌آورد و خاموش می‌ماند سکوت می‌کند و با صبوری تحمل می‌کند در اثر همین تحمل کردن هاست که بعد از گذشت اندک زمانی تبدیل می‌شود به جسمی با ارزش و گرانبیامت و آن وقت است که نتیجه کار دیدنی می‌شود. دل انسان نیز داستانش مشابه همین تکه فلز است در طول زندگانش مدام ضربات گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها بر سرش فرود می‌آید و یکی پس از دیگری او را نوازش می‌کنند و رهاش نمی‌کنند گاه شدت ضربه‌ها آنقدر محکم و کاریست که انسان فکر می‌کند بند بند وجودش از هم گسسته خواهد شد و گاهی شدتش آنقدر کم است که سختی و درد حاصل از ضربه حس نخواهد شد. اما تنها راه چاره و تنها مسیر صیقل خوردن دل تحمل همین ضربات و مصیبت هاست



مصیبت هایی از جنس از دست دادن عزیزترین همراهان و انسان های زندگی یا از بین رفتن مال و اموالی که با زحمت به دست آورده ای یا سلامتی بدنت که امکان دارد دیگر هیچ گاه به انسان برنگردد اینجاست که باید شکیبایی کرد تا پروردگار راضی باشد و عمل انسان بشود مصداق بهترین جرعه ای که میتوان در زمان مصیبت نوشید، جرعه صبر و تحمل.

.....
امام باقر علیه السلام می فرمایند: دو جرعه است که از آن محبوب تر نزد خدا نیست: یک. جرعه ای از خشم که مؤمن آن را با حلم فرو برد. دو. جرعه ای از مصیبت که با صبر آن را باز گرداند!

۱. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، ص ۲۷.

پنج

دو قطره ناب





چیزهایی در این دنیای فانی می‌توان یافت که اگر خروارها هم روی هم قرار گیرند باز ارزش چندانی نخواهند داشت. توجه کسی را جلب نخواهند کرد و انسانها به سادگی از کنارشان رد خواهند شد.

برعکس هم می‌تواند باشد و چیزهایی در اطراف باشد که مثقال و ذره و قطره‌ای از آن‌ها آنچنان با ارزش است که برای قیمت‌گذاری آن نمی‌توان به راحتی عمل کرد. هر چه ارزش آنها بالاتر می‌رود ابزاری که وزنشان را برای ارزش‌گذاری اندازه‌گیری می‌کنند حساس تر می‌شوند. ترازوی میوه فروش‌ها را با ترازوی طلافروش‌ها مقایسه کنید دقت اندازه‌گیری آنها بسیار با هم متفاوت است زیرا اختلاف بهای و ارزش اجناس تفاوت زیادی با یکدیگر دارند. یکی را کیلو کیلو اندازه می‌گیرند و این دیگری را روی مثقال و ذره ذره اش حساسیت به خرج می‌دهند. گاهی خون و اشک نیز این گونه بی‌نظیر و بی‌قیمت می‌شوند آنچنان که قدر و قیمتشان را جز صاحب اصلی روز حساب و کتاب نمی‌داند. خون حتی اگر



قطره‌ای هم باشد ولی به خاطر خدا و در راهش بر زمین ریخته باشد می‌شود بی نظیرترین قطره‌ها و اشک اگر فقط برای محبوب و یار واقعی باشد آن هم در دل تاریکی و سیاهی شب می‌شود عزیزترین و پر بهاترین در نزد پروردگار. این گونه دیگر ترازوی طلافروشی‌ها هم ظرافت لازم را ندارند برای تخمین ارزش و قیمت آن.

.....

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: دو قطره است که از آن نزد خدا بهتر نیست: قطره‌ای خون در راه خدا، قطره‌ای اشک در سیاهی شب که جز برای خدا نیفشاند.^۱

۱ . معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، ص ۲۷.